

متن پرسش

با سلام: سؤالی در مورد مثنوی دارم. در دفتر سوم از حکایت دیدن خواجه غلام خود را سپید و نشناختن او به بیت «چون توان با شیعه گفتن از عمر / کی توان بربط زدن در پیش کر» رسیدم و با پدر که در حدود ۲۰ سال در جلسات تفسیر شنبه شب‌های استاد شرکت می‌کنند نشون دادم و پدرم بخاطر ارادت شدیدی که نسبت به مولانا دارند گفتند منظور مولانا این هست که نمی‌شود با عمر نشست و از فضایل شیعه گفت و هر چه من خواستم بگویم برعکس این مورد استنباط می‌کنم متأسفانه عصبانی شدند و اجازه صحبت ندادند و گفتند از جناب طاهرزاده می‌پرسند اما سوال من پرسیده نشد و با توجه به فضای غیر صمیمانه که در خانه جاری هست من نمی‌توانم سوال خودم را پی‌گیری کنم. خواهش می‌کنم این بیت را برای من توضیح دهند که با توجه به سه شعر دیگر در مناقب سه خلیفه و یا نسبت دادن حکایت نابینا که مربوط به حضرت فاطمه هست به عایشه، من بسیار متعجب شده‌ام.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- عنایت داشته باشید که مولوی در بستر اهل سنت سخن می‌گوید و بدین لحاظ می‌توان گفت که تقیه می‌کند. آیت الله حسینی طهرانی در کتاب «روح مجرد» دلایلی بر تشیع ایشان می‌آورد ۲- در مورد خلفا، مولوی مثل ما فکر نمی‌کند ولی در مورد علی «علیه‌السلام» تعبیراتی دارد که بسیار متعالی است مثل آن‌جایی که می‌گوید: «ای علی که جمله عقل و دیده‌ای / شمه‌ای بنما از آنچه دیده‌ای» ۳- بعضی موارد مولوی واژه‌ی شیعه را برای عده‌ای که نسبت به اهل سنت تعصب‌های تندی دارند، به کار می‌برد ولی ارادت او به اهل‌البیت «علیهم‌السلام» کاملاً مشهود است.

مولوی در مورد علی «علیه‌السلام» می‌گوید:

دست‌گیری هر که پایش در گل است
ان تغب جاء القضاء ضاق الفضا
قدردی کلا لئن لم ینته

ترجمانی هرچه ما را در دل است
مرحبا یا مجتبی یا مرتضی
انت مولی القوم من لا یشتهی

می‌گوید: آنچه در درون قلب عارفان است تو ترجمان آن هستی تا بتوانند واردات قلب خود را درست

تحلیل کنند، همچنان که دستگیر کسانی هستی که در مسیر سلوک پایشان در گِل گیر کرده است. خوش آمدی ای برگزیده و ای پسندیده، اگر در صحنه ی هدایت اهل سلوک نباشی، قضا می آید و فضای بندگی را تنگ می کند، تو مولای قوم مسلمانان هستی، حال آنکس که تو را نخواهد و نپذیرد، اگر باز نایستد و از انکارش دست بر ندارد، به کلی هلاک می شود. همچنین که در جای دیگر می گوید:

کل گشاد اندر گشاد اندر گشاد
بر قدوم و دور فرزندان او
زاده اند از عنصر جان و دلش

هست اشارات محمد المراد
صد هزاران آفرین بر جان او
آن خلیفه زادگان مقلش

موفق باشید